

در جستجوی راه‌حلهای مشکلاتی که ما حاصل تخریب روستاها و مهاجرت روستائیان به این شهر بزرگ که هم اکنون حتی تأمین مایحتاج ضروری ساکنان آن مشکلات طاقت فرسا و عمده‌ای را بر نظام جمهوری اسلامی تحمیل کرده است، به سراغ برادر حبیبی شهردار محترم تهران که متواضعانه ساعتی از وقت خود را به مصاحبه با ما اختصاص دادند رفتیم، آنچه که در ذیل می‌آید حاصل همان گفتگوست، امید داریم همانطور که برادر حبیبی در صحبت‌های خود به آن اشاره کرده‌اند مسئله مهاجرت بی‌رویه هموطنان روستائی را با کمک و هماهنگی همه دست‌اندرکارانی که به نحوی از انحاء می‌توانند مؤثر باشند در دراز مدت با آباد کردن روستاها و در کوتاه مدت با ایجاد ضوابط و برنامه‌های اصولی، حل نماییم، انشاءالله

رسیدگی نکنیم و آن دافعه‌ها را از بین نبریم، نمی‌توانیم با یک سری برخوردهای مکانیکی صرف در شهر مخصوصاً تهران جلوی مهاجرت را بگیریم، یعنی اگر ما بخواهیم بدون آباد شدن روستاهای محروم، مردم آنجا را متقاعد کنیم که به تهران نیایند این ممکن نیست و قاعدتاً ما باید این پدیده را آنقدر تحمل کنیم تا روستاهایمان آباد شوند ولی اگر با این استدلال متقاعد شویم که تا آباد شدن روستاها حق برخورد با مسئله مهاجرت را نداریم این اشتباه است و برای ما خطر دارد برای روشن شدن مطلب یک مثال می‌زنم:

گر یک شخص سالم به علت آشامیدن آب بوده و یا تغذیه از خوراک آلوده به حصه مبتلا شود طبیعی است برای برخورد ریشه‌ای با این قضیه که دیگر کسی مبتلا به این بیماری نشود باید همه آبهای آشامیدنی را تصفیه نمود تا دیگر کسی آب آلوده نخورد و به این بیماری مبتلا نشود، این حل ریشه‌ای مسئله است ولی اگر همین الآن یک بیمار حصه‌ای را برای ما

بیاورند نمی‌توانیم حواله‌اش بدهیم به برقرار کردن آب آشامیدنی سالم در کل کشور و بگوئیم ما فعلاً مشغول بهداشتی کردن آبهای کشور هستیم، با این مریض که دارد تلف می‌شود باید برخورد درمانی کرد.

بنا بر این ما با بیماری حصه دو نوع برخورد داریم اول اینکه بدنبال ریشه آن رفته و کارهای

کلید حل بسیاری از مشکلات شهر را باید در روستاها جست و ایندو را نمی‌توان به هیچ وجه از یکدیگر تفکیک نمود، بسیاری از مشکلات شهر مانند تراکم جمعیت، آلودگی هوا، ترافیک و... بدلیل مهاجرت بی‌رویه روستائیان از مرکز تولید به محل مصرف یعنی شهر پدید آمده علاوه بر این تشدید مهاجرت سبب وابستگی کامل ما از نظر تأمین مواد استراتژیک غذایی به خارج می‌شود، ریشه‌های مهاجرت را باید هم در روستا و هم در شهر جست.

در پی ریشه‌های مشکلات شهری، خصوصاً مسائل و معضلات تهران بررسی مسائلی از قبیل افزایش جمعیت چگونگی مبارزه با شغل‌های کاذب و برنامه‌های شهرداری در این قسمت، جلوگیری از مهاجرت و اسکان بی‌رویه در تهران و خلاصه

مهاجرت مشکل اساسی تهران

هر استان و شهری یک سری مشکلات ویژه خود دارد که برای حل آنها ابتدا باید این مشکلات را شناخت و سپس کلیه دستگاه‌های اجرایی و نهادهای انقلابی و دولتی برای حل آن بسیج شوند. من معتقدم مشکل ویژه استان تهران و از همه بالاتر شهر تهران مشکل مهاجرت است، یعنی اگر هر نوع برنامه ریزی در این استان و در کل مملکت انجام شود و به این موضوع توجه نداشته باشند ما در حل مشکلات مملکت در آینده موفق نخواهیم بود، البته مسئله مهاجرت مشکل کشور و انقلاب است ولی بیش از همه در تهران خود را نشان می‌دهد، به عنوان مثال در برخورد مختصری که ما با صدور دفترچه‌های بسیج اقتصادی داشتیم و تصمیم گرفته شد به کسانی که وارد تهران می‌شوند دفترچه بسیج ندهند، متوجه شدیم که هنوز بعد از گذشت پنج سال از شروع تشدید مهاجرت، روزانه ۱۵۰۰ مهاجر جدید وارد مناطق ۲۰ گانه تهران می‌شوند و این جدا از زادوولد مهاجرت به حواشی تهران می‌باشد که در کنترل مانیت.

از بین بردن جاذبه و دافعه در شهر و روستا عاملی مؤثر در سد مهاجرت

کلید حل مسئله مهاجرت در تهران نیست، آنچه‌ای که باعث مهاجرت می‌شود یک سری دافعه در روستاها و یک سری جاذبه شهری است و ما تا زمانی که به روستاها و استانهای دیگر



بررسی مسائل مهاجرت روستائیان عوامل جاذب و دیگر معضلات شهری

از زبان شهردار تهران

بهداشتی وسیع و عمیق بکنیم و دوم اینکه با توزیع امپول و تجویز قرص، کپسول و بستری بیمار با او برخورد درمانی داشته باشیم. و هر دوی اینها لازم هستند و باید اجرا شوند. در مورد مسئله مهاجرت نیز به همین ترتیب است یعنی اگر ما بگوئیم مشغول آبادی روستاها هستیم و برای اینکار نیز واقعا برنامه داشته و هر روز یک پیشرفت جدید در آبادی روستاها داشته باشیم، نمی توان امر مهاجرت را به آبادی کامل روستاها واگذار کرد چون ممکن است اینکار تا سی سال به درازا بکشد و در این فاصله نیز آفتاب مهاجرت انجام می شود که دیگر نمی توان جلوی آنرا گرفت.

بنا بر این اگر ما مهاجرت را یک بیماری بدانیم این بیماری یک زمینه داشته که باید با آباد کردن روستاها در استانهای مختلف محروم با آن مقابله کنیم. و دیگر یک برخورد درمانی است و این اقداماتی است که باید شهرداری و استانداری تهران انجام دهد، برخورد بهداشتی با دولت و جهادسازندگی و دیگر نهادهای ذیربط در روستاست که باید با برنامه ریزی صورت بگیرد به اینصورت که پیش بینی شود در پنج سال دیگر این مقدار برق روستایی داریم و اینقدر بر درآمد روستائیان و کشاورزان اضافه می شود، ولی آیا برای برخورد درمانی مجاز هستیم یا نه، من معتقدم که در رابطه با مهاجرین جدیدی که به تهران می آیند فوق العاده سخت گیری به عمل بیاید، درگیری با تخلفات ساختمانی، سد معبر، دست فروشی، برخورد با متاعل کاذب و بسیاری از عارضه های شهری که از تراکم بی حد جمعیت ناشی می شوند در این رابطه معنی پیدا می کند، در اینجا سؤالی پیش می آید که آیا این برخورد درمانی باعث یک سری بازتابهای نامطلوب سیاسی و اجتماعی نمی شود یعنی آنها از روستاها می آیند به شهر و شما هم با آنها مقابله می کنید و بین مردم و دولت درگیری پیش می آید، اینرا چگونه می توان حل نمود، به نظر من در اینجا نقش روحانیون و مبلغین اسلامی بسیار مهم است.

این مردم اگر همسر و فرزند خود را با دست خود به جبهه می فرستند و می گویند برو، بجنگ و شهید شو، چرا اینکار را می کنند، دلیلش این است که اینها اسلام را در خطر می بینند، اگر ما

*** آنچه که باعث مهاجرت میشود یک سری دافعه در روستا و یک سری جاذبه شهری است و ما تا زمانی که به روستاها رسیدگی نکنیم نخواهیم توانست با برخوردهای مکانیکی در شهر و خصوصا تهران جلوی مهاجرت را بگیریم.**

*** اگر با این استدلال هم متقاعد شویم که تا آباد شدن روستاها حق برخورد با مسئله مهاجرت را نداریم شاید این آبادانی ۳۰ سال طول بکشد تا آنوقت دیگر روستاهای ما خالی شده اند.**

از تریبونهای نماز جمعه از زبان روحانیون مورد اعتماد مردم خطر مهاجرت را توضیح بدیم می توانیم با تکیه به فرهنگ عمیق اسلامی و اعتماد مردم به روحانیت به مردم بگوئیم که برادر و خواهر روستایی ما قبول داریم که شما در روستاها مشکلات فراوانی دارید، اما این مشکلات را بخاطر اسلام و اینکه مهاجرت شما انقلاب را تهدید می کند تحمل کنید. حتی من به آقای موسوی نخست وزیر گفتم در ملاقات با حضرت امام آمار و ارقام فاجعه مهاجرت را خدمت ایشان عرض کنند تا اگر امام مصلحت دیدند با توجه به اینکه مردم مطیع ایشان هستند، اعلام خطر کنند.

نقش هماهنگی ارگانهای مختلف در رابطه با مهاجرت

در رابطه با برخورد درمانی این نکته باید در

نظر گرفته شود که همه ارگانهای ذیربط باید با هماهنگی وارد عمل شوند و اگر هماهنگی لازم ایجاد نشود اقدام توسط همه ولی با هماهنگی فقط اتلاف وقت است. اینطور نباشد که کاری را که یک نهاد می کند، ارگان دیگر همان کار را انجام دهد و اینها با هم اصطکاک کنند مسئله مهاجرت تنها توسط شهرداری حل نخواهد شد و اگر هیئت دولت با هماهنگی نهادهای انقلابی برنامه مشخصی برای برخورد با مسئله مهاجرت نداشته باشند، این اقدامات درمانی مشرتمر نخواهد بود.

در رابطه با کار ریشه ای تنها عملی که از شهرداری تهران بر می آید ایجاد یک جو در مملکت است یعنی با تبلیغ پیش رئیس جمهور، نخست وزیر، رئیس مجلس، روحانیت و نماز جمعه مسئله مهاجرت را به مسئله روز تبدیل کنیم. به عنوان یک اقدام دیگر نیز قصد داریم با گذاشتن سمینارهایی در این رابطه از همه کارشناسان و ارگانهای انقلابی و دولتی ذیربط دعوت کنیم تا نظرات خود را در این سمینارها که اولین آن طی چند ماهه آینده برگزار می شود ارائه دهند.

در مورد اقدامات درمانی نیز هماهنگی بین شهرداری، استانداری، مقامات قضایی و ارگانهای موجود از ضروریات است، وقتی من در استانداری بودم این کار شروع شد و مطمئنا هنوز هم با همان شدت ادامه دارد. اخیرا با دادستان تهران ملاقاتی داشتم که راجع به همین مسئله مهاجرت بحث شد، در آنجا گفتیم اینطور نباشد که شهرداری یک کار را شروع کند و وقتی به مشکل برخورد کرد قوه قضائیه و نیروهای انتظامی حمایت نکنند.

خدمات شهرداری در برخورد با گسترش مهاجرت در تهران

در رابطه با اقدامات درمانی فعالیتهای زیادی در زمینه های مختلف انجام گرفته در زمینه جلوگیری از گسترش فیزیکی شهر به همه مدیران و مسئولین شهرداری ها گفته شده که با تخلفات قاطعانه برخورد کنند با مقامات قضایی هم برای هماهنگی امر صحبت شده که ورق بزنید

* تخلفات ساختمانی، سد معبر، دست فروشی، مشاغل کاذب و بسیاری از عارضه های شهری که از تراکم بی حد جمعیت در تهران ناشی می شوند در رابطه با مهاجرت معنی پیدا میکند و باید به شدت با آنها به مقابله پرداخت

مثلا اگر متخلف ساختمانی داشتید باید در چهارچوب قضیه مهاجرت با آن برخورد کنید نه به عنوان یک تخلف ساده از قانون. کار دیگری که برای جلوگیری از رشد تهران می خواهیم انجام دهیم طرح ایجاد فضای سبز در اطراف تهران است. این طرح در خیلی از شهرها موفق بوده یعنی یک سری زمینهای اطراف را که صاحب مشخصی ندارد با کمک وزارت کشاورزی می شود درختکاری کرد و آنجا را برای مدتی از تصرفات و خانه سازی بی رویه باز داشت. این کار مدتی است که آغاز شده و طرح خوبی می باشد.

یکی از مسائل عمده و مشکلات شهر مشاغل کاذبی است که در تهران بوجود آمده، به عنوان مثال دست فروشی یکی از این نمونه هاست البته خیلی آدمهای فقیر هستند که به این کار اشتغال دارند ولی واقعا دستفروشی در تهران حرفه پر درآمدی است. به عنوان مثال بدنساز بداند که در یکی از خیابانهای تهران موزائیکهای پیاده رو دلال و سرقفلی داشته.

یعنی می گفتند این موزائیک ۲۵ در ۲۵ سانت چند هزار تومان سرقفلی دارد و اگر هر جرخ ۱۰ موزائیک جا می گیرد چند ده هزار تومان سرقفلی می خواهد. کسی که حاضر است اینقدر پول برای چند متر جا پرداخت کند حتما روزانه باید درآمد خوبی داشته باشد. چند ماه پیش یکی از همکاران ما متوجه عده ای شده بود که در میدان ونک نان لواش می فروختند. بعد از تحقیق فهمیده بود که اینها نان لواش را در محله های

ریال می خرد و سپس در کیسه پلاستیک می گذارند و ۲۰ عدد نان را به قیمت ۳۰ تومان می فروشند. یکی از آنها هم ادعا کرده بود روزانه ۱۰۰۰ عدد نان می فروشد. ۱۰۰۰ تا ۵ ریال می شود ۵۰۰ تومان. یعنی این آقا با خرید و فروش نان ماهانه ۱۵ هزار تومان درآمد دارد.

و با در کنار خیابان افرادی را می بینیم که با یک سطل آب و یک دستمال به ماسن شویی مشغولند. وجود این سلفهای کاذب نشان می دهد که معاده زیادی بیکار در سطح شهر داریم. این افراد را دو دسته تشکیل می دهند یکی آنهایی که برای بدست آوردن پول بیشتر در قبال کار کمتر به شهرها می آیند و البته واضح است که بیل دست گرفتن در آفتاب داغ تابستان و سرمای زمستان نسبت به اینکه شخص یک چرخ دستی بردارد و با فروش اجناس مختلف روزانه چند صد تومان هم درآمد داشته باشد کار مشکلی است ولی اگر بخواهیم برای این افراد دلسوزی کنیم تا چند سال دیگر ما صاحب تهران نخواهیم بود و به عقیده من با این افراد باید به شدت برخورد شود و حتی با سختگیری به او اجازه ندهیم به شهر مهاجرت کند البته یک عده دیگر از این دست

* برای تمرکز زدایی از شهر تهران باید یک سری تسهیلات برای کسانی که می خواهند از شهر بروند اعم از اداری و غیر اداری فراهم نمود و یک سری مشکلات نیز جلوی راه افرادی که قصد مهاجرت به تهران را دارند ایجاد شود.

فروشها نیز هستند که سالکن تهران بوده از مدتها قبل در اینجا سکونت دارند اما از روی نیاز به این کار دست زده اند. در مورد این افراد باید مقداری فکر شود و امکاناتی برای این افراد تهیه کرد که بیکار نمانند.

باید در رفته ما با برخورد هماهنگ درمانی با مسئله مهاجرت در تهران توانسته ایم پیشرفت

نسبتاً خوبی پیشرفت نسبتاً خوبی داشته باشیم و این هماهنگی بین مقامات قضایی، اجرایی، نظامی و حقوقی کماکان ادامه دارد و ما آنرا تقویت می کنیم.

در همین سمینار مهاجرت قرار است یک سری خطوط اصلی به کل مقامات اجرایی داده شود ما امیدواریم که سازمان برنامه مسئله مهاجرت را در برنامه ریزی خود شرکت دهد. یعنی بگوید ما در رابطه با مهاجرت این خطر را احساس کردیم و این سیاست در توزیع اعتبارات اتخاذ شد و بعد از ۴ سال نرخ مهاجرت این مقدار پائین می آید. من معتقدم که برنامه ریزان کشور هم در جهاد سازندگی و هم در دولت باید مسئله کاهش نرخ مهاجرت را از روستا به شهر و یا از شهرهای کوچک به شهرهای بزرگ در رئوس کار خود قرار دهند.

تمرکز زدایی ادارات و وزارتخانه ها در تهران و نقش آن در کاهش مهاجرت

یکی دیگر از دلایل مهاجرت به تهران این مرکزیتی است که تهران پیدا کرده و همه ادارات و وزارتخانه ها در تهران قرار دارند. به نظر من هیچ ضرورتی ندارد که همه وزارتخانه های ما در تهران باشد به همین دلیل احداث مراکز ساختمانی جدید دولتی باید با اجازه نخست وزیر باشد و حتی صحبتهایی شده برای انتقال بعضی از این واحدهای اداری و آموزشی به شهرستانهای دیگر. در همین ادارات تهران میتوان نشان داد که اگر تعداد قابل توجهی از افراد در این اداره ها نباشند هیچ اتفاقی نمی افتد ولی اگر اینها بروند در شهرستان و حتی در ادارات آنجا مشغول شوند میتوانند کارگشا باشند. بنا بر این باید یک سری تسهیلات فراهم شود برای کسانی که می خواهند از تهران بروند اعم از اداری و غیر اداری و یک سری مشکلات هم برای کسانی که می خواهند به تهران بیایند ایجاد شود. حتی بخش خصوصی هم بوسیله اداره کار باید ملزم شود در استخدام افراد شهرستانی حتی کارگر ساده سختگیری کند. در استانداری که بودم یک هماهنگی داشتیم با اداره کار کرج و آنها یک بخشنامه به کلیه واحدهای صنعتی و تولیدی

*** مادر کشور در رابطه با مهاجرت کمبود مطالعه نداریم، آنچه که در این رابطه صورت نگرفته عمل است.**

*** تاسیس نهادی به نام جهاد سازندگی که منحصرآ باید در روستاها کار کند نشان دهنده حرفهای اساسی ماست که می‌گوئیم رژیم جمهوری اسلامی به روستاها توجه دارد.**

*** وقتی ما کالای محدودی داشتیم و عوامل توزیع کالا را متعدد کردیم، توزیع کننده خرج دارد و مجبور است کالا را گرانتر بفروشد، بنابراین یکی از عوامل گرانفروشی در سطح تهران همین دست فروشها و واحدهای صنعتی می‌باشند که بعد از انقلاب تاسیس شده.**

کرج دادند که هر کارگری که بخواهد استخدام شود باید توسط این اداره بررسی و تأیید شود. مرکزیت تهران حتی در ورود کالاهای وارداتی هم دیده میشود به اینصورت که تمام این کالاها یک بار می‌آید تهران و بعد از تهران به نقاط دیگری بخش میشود، یکی از طرحهایی که الان در مورد آن بحث داریم این است که تهران محل توزیع کالاهای مملکت نباشد، مشخص شود که هر کالا باید به کجا برود و همچنین کدام کالا را از کدام گمرک وارد کنیم تا احتیاجی به تهران آمدن نداشته باشد و مستقیم به محل مصرف برود.

یکی دیگر از عوامل مهاجرت این است که حدود ۵۰٪ صنایع کشور متاسفانه در تهران است یعنی مواد اولیه باید همه به اینجا بیایند و سپس تبدیل به کالا شده و به نقاط دیگر بروند، طرحی قبل از انقلاب بوده و بعد از انقلاب هم تمدید شد که هیچ واحد صنعتی در شعاع ۱۲۰ کیلومتری تهران تاسیس نشود، اخیراً شنیده‌ام مخالفتی با این طرح صورت گرفته به نظر من اینکار اشتباه است و این طرح باید اجرا شود، حتی بسیاری از واحدهای تولیدی، اداری، نظامی و انتظامی هم هستند که میتوان آنها را از تهران خارج نمود و هیچ لزومی ندارد در تهران باشند.

ستاد بسیج اقتصادی کشور هم در جلسات خود قرار شد برای مسئله مهاجرت حساب خاصی

نسبت به روحانیت دارند با آگاه کردن روحانیون از مسائل، مشکلات و خطرات مهاجرت به مردم توضیح دهیم که اگر ما با دست فروشی مخالفیم به این دلیل نیست که مثلاً دست فروش آدم بدی است بلکه علت خطری است که جامعه را تهدید می‌کند، وقتی به مردم گفتیم دستفروشی یکی از عوامل گرانفروشی و فساد است یکی از عوامل نابسامان کردن اوضاع شهر است، مردم اینرا قبول می‌کنند.

وقتی ما کالای محدودی داشتیم و عوامل توزیع کالا را متعدد کردیم، خوب این توزیع کننده خرج دارد و مجبور است کالا را گرانتر بفروشد، بنابراین یکی از عوامل گرانفروشی در سطح تهران همین دست فروشها و تعداد واحدهای صنعتی است که بعد از انقلاب ساخته شده‌اند و اگر ما می‌گوئیم باید جلوی احداث بی رویه واحدهای صنعتی گرفته شود معنایش این نیست که ما با اصناف مخالفیم بلکه مسئله خطری است که جامعه را تهدید می‌کند و ما امیدواریم از طریق رسانه های گروهی این مطالب را به مردم برسانیم تا مردم باور کنند که مثلاً برخورد با دستفروشی کار لازمیت.

مسئله دیگری که باید اینجا یاد آور شوم حرفهای اساسی ماست در رابطه با اینکه رژیم جمهوری اسلامی به روستاها توجه دارد و دلیل آن هم تاسیس جهاد سازندگی است که منحصرآ باید در روستا کار کند که مبین این است که جمهوری اسلامی عملاً کار را شروع کرده. یک وقت است که ما به روستایی می‌گوئیم نیاید شهر و هیچ برنامه‌ای هم نداریم، فقط می‌گوئیم شما نیایید و سیر انقلابی داشته باشید، اما یک وقت است که ما به روستایی می‌گوئیم نیایید و ما کار را شروع کرده‌ایم اگر گفت از کجا و کی؟ در جواب همین تاسیس جهاد و آمار فعالیت‌های آن را می‌آوریم و ثابت می‌کنیم که در همین پنج سال به اندازه ۵۰ سال قبل از انقلاب برای روستاها کار شده و در این رابطه نیز جهاد سازندگی نقش اساسی و حیاتی داشته است. و در این رابطه زبان ما باز است که فقط حرف زده‌ایم و کار آغاز شده.

منتهی نمی‌شود به این سرعت همه روستاها را لوله کشی کرد، و جاده بکشیم، و این احتیاج به

زمان دارد. و کار یک سال و ۲ سال و ۵ سال نیست، بنابراین اهمیت کار درمانی مشخص می شود.

یک مسأله ای که در رابطه با کار درمانی وجود داشت این بود که می گفتند طبق قانون اساسی هر کسی هر کجا بخواهد می تواند ساکن باشد و شما این سختگیری را بی دلیل انجام می دهید و اینکه اگر کسی به تهران بیاید نمی تواند دفترچه بسیج دریافت کرده و یا گواهینامه رانندگی بگیرد خلاف قانون است. ما این را در دو جا مطرح کردیم و هر دو روی کار ما صحه گذاشتند یکی در شورای عالی قضایی و دیگر در ستاد بسیج اقتصادی.

در شورای عالی قضایی حتی صدور کارت شناسایی برای تهرانی ها هم مطرح شد که ما بتوانیم افراد را تحت کنترل داشته باشیم و در آنجا هر دو را تأیید کردند و گفتند درست است که قانون اساسی در رابطه با انتخاب محل سکونت آزادی داده است ولی ما در قرآن و بالتسویه در قانون اساسی یک قاعده داریم که اگر مصالح جمهوری اسلامی ایجاب کرد می توان این موارد استثنائی را انجام داد و در این زمینه مشکلی نیست.

یکبار در مشهد رفته بودند خدمت یکی از آقایان صاحب فتوی که آقا اگر ما یک خانه داشته باشیم و بخواهیم یکی از اتاقهایش را به کوچه باز کرده و در آن جنسی بفروشیم از نظر شرعی اشکال دارد.

ایشان گفته بودند خیر اگر مالک خودتان باشید اشکال ندارد، ما رفتیم خدمت آقا و برای ایشان یک مثال زدیم که فرضاً ما برای مشهد صدتن پارافیل می توانیم به درو پنجره سازان بدهیم و صدتا هم درو پنجره ساز داریم که به هر کدام یک تن می رسد و وقتی شخصی این مقدار را تبدیل کرد به کالای می تواند زندگی خود و شاگرد و اجاره اش را بگذراند ولی اگر این صدتا درو پنجره ساز با همان دکانه که شما اجازه دادید شد هزارتا، کالای ما که محدود است و ما نمی توانیم بی حساب جنسی وارد ممالک کنیم بنابراین به هر نفر صد کیلو گرم پروفیل می

رسد، وقتی که شخص این مقدار را تبدیل کرده درو پنجره برای اینکه زندگیش تأمین شود باید جنس را دو برابر بفروشد، بنابراین اگر از آن طرف اجازه دادیم برای باز کردن دکان و از این طرف هم گرانفروشی شد، اگر از بیت شما کسی بگوید چرا درو پنجره گران شده ما می گوئیم به همان دلیل که دکانها زیاد شدند، پس هر کاری باید طبق قانون باشد.

در مورد سمینار مهاجرت که قرار است در چند ماه آینده توسط شهرداری برگزار شود، ما معتقدیم که اینکار با همکاری دیگران بخوبی می تواند انجام شود، مقدماتاً باید عرض کنم که ما در جهت تبلیغات این سمینار برگزاری آنرا در رسانه های گروهی یعنی روزنامه ها و تلویزیون به کرات اعلام خواهیم کرد. و از عموم صاحب نظران در جهاد سازندگی و بخشهای خصوصی، دولتی، دانشگاهها و نهادهای انقلابی طی نامه هایی در مورد سمینار و نحوه برگزاری و همچنین اقدامات این ارگانها در رابطه با مهاجرت نظر خواهی خواهیم کرد و انشاءالله نخواهیم گذاشت سمینار به صورت یک سری سخنرانیهای حساب نشده برگزار گردد و آقا بیاید میکروفون را بگیرد و یک سری صحبت کند. کار سمینار به اینصورت خواهد بود که ابتدا تحقیقات، مطالعات و مقالات را از کار شناسان ذیربط گرفته و کمیته ای مأمور بررسی این مسائل می شود و یک سری مقالات خط دهنده و مفید انتخاب شده و توسط صاحب مطلب در جلسات سمینار ارائه می شود نه اینکه یک نفر بیاید بدیست میکروفون و بعد یادش بیفتد که می خواهد راجع به مهاجرت صحبت کند.

یک طرح مقدماتی برای سمینار تهیه شده که چند روز باشد، به چه شکل برگزار شود و چه موضوعات مهمی به عنوان مرفصلهای مهاجرت انتخاب شود تا بعد با ارتباط با جهاد و سایر نهادها و ارگانهای ذیربط سعی کنیم یک سمینار مفید برگزار نمائیم و بدیهی است که نظرات کارشناسان جهاد در این رابطه خصوصاً برای خود کفایی و روستاها می تواند نقش مهمی ایفا نماید.

روستا و کشاورزی...

آنها جلوگیری شود. ضمناً بونجه کازی و کنت ذرت خوشه ای که برای خوراک گاو بمصرف میرسد امسال توسعه چشمگیری داشته اما تولیدات علوفه و خوراک دام باندازه کافی نیست و هر ساله مقدار کمی جو و ذرت و سویا و امثال آن از خارج خریداری میشود تا کسری تولید علوفه در داخل کشور جبران شود با وجود این دامداران و مرغداران از لحاظ تأمین خوراک دام و دان مرغ در مضیقه هستند و این امر ثابت میکند که برای افزایش تولید علوفه و خوراک دام تلاش زیادتری باید بکار رود و روشهای بهتری باید بکار گرفته شود. حتی در نقاطی که ریزش باران زیاد نیست باید به نحوی کنت علوفه و غلاتیکه بمصرف خوراک دام و دان مرغ میرسد توسعه داده شود. اینکار احتیاج به تحقیق دارد و باید بدنبال بذرهائی رفت که پربار و مقاوم در برابر کم آبی هستند رفت و این نوع غلات را در بسیاری از نقاط کشور کشت کرد. مایلو که یک نوع آرزون یا دانه های درشت تر است از جمله غلاتی است که شاید توسعه کشت آن در ایران قسمتی از مشکلات مربوط بکسری علوفه و خوراک دام را حل کند. مایلو بسیار پربار است و به آب زیاد هم نیازی ندارد از قرار معلوم از طرف وزارت کشاورزی نیز چندی پیش کشت آزمایشی آن در ایران صورت گرفته ولی تاکنون برای استفاده از آن برنامه وسیعی اجرا نگردیده است. در بعضی از نقاط ایران یک نوع بونجه دیمی کشت میشود که نیازی به آبیاری ندارد و مطالعه روی این نوع بونجه و کشت آزمایشی آن در نقاط مستعد و تهیه بذر اصلاح شده آن نیز می تواند راه حلی برای مسئله تولید علوفه و خوراک دام باشد. متأسفانه هزینه فعالیتهای کشاورزی سال بسال زیادتر میشود و ضمن مبارزه با تورم که اثرات نامطلوب آن اکنون در روستاها و زندگی کشاورزان نیز مشهود گردیده، باید بتولید علوفه و غلاتی که بطریق دیم کشت میشوند و با هزینه کمتر محصول میدهند همت گماشت و از همه عوامل برای بالا بردن سطح زیر کشت علوفه و غلاتی که به مصرف خوراک دام میرسند استفاده کرد تا انشاءالله دامداری نیز به موازات و پایهای کشاورزی پیش برود و سطح درآمد کشاورزان و دامداران و علاقه آنها به ادامه فعالیتهای کشاورزی و دامداری بیشتر بشود.